



# فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی

دکتر محمدتقی ایمان

استاد دانشگاه شیراز



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

ایمان، محمدتقی، ۱۳۳۷. \_  
فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی / محمدتقی ایمان. \_ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.  
هشت، ۳۲۸ص: مصور، جدول. \_ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۰۸: فلسفه علوم انسانی؛ ۸)  
بها: ۵۷۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. [۳۰۹] - ۳۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. علوم انسانی - تحقیق - روش‌شناسی. الف. کلاته ساداتی، احمد، ویراستار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
ج. عنوان.  
۱۳۹۱ ۸ ف ۹ الف / ۱۸۶ AZ  
شماره کتابشناسی ملی  
۰۰۱/۳۰۷۲  
۲۷۲۵۴۱۷



### فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی

نویسنده: دکتر محمدتقی ایمان (استاد دانشگاه شیراز)

ویراستار: احمد کلاته ساداتی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: کاما

چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ دوم: بهار ۱۳۹۳)

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰  
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

Email: [info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبعی درسی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های فلسفه علم، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مدیریت، پرستاری و علوم تربیتی تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر یاری دهند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم جناب آقای دکتر محمدتقی ایمان، ناظر محترم جناب آقای دکتر محمد خیر و دکتر سیدحمیدرضا حسنی مدیر گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه سپاسگزاری و تشکر کند.

## فهرست مطالب

۱	پیشگفتار .....
۳	مقدمه .....
۷	<b>فصل اول: چیستی تحقیق و معرفت علمی</b> .....
۷	مقدمه .....
۸	۱. تعریف تحقیق علمی .....
۹	۲. مشکل، مسئله و تحقیق علمی .....
۱۱	۳. تحقیق علمی یا حل عقلایی مسئله .....
۲۰	۴. فرایند تحقیق و تولید معرفت علمی .....
۲۳	۵. آسیب‌شناسی معرفت علمی در ایران .....
۳۹	○ خلاصه .....
۴۰	○ پرسش‌های فصل .....
۴۳	<b>فصل دوم: پارادایم‌های علم و تحقیقات علمی</b> .....
۴۳	مقدمه .....
۴۴	۱. عناصر بنیادی پارادایم‌ها .....
۵۵	۱-۱. هستی‌شناسی: معتقدیم چه چیزی وجود دارد؟ .....
۵۵	الف) اثبات‌گرایی .....
۵۵	ب) تفسیرگرایی .....
۵۵	ج) انتقادی .....
۵۶	۲-۱. معرفت‌شناسی: برای معرفت معتبر چه اسناد و مدارکی را می‌پذیریم؟ .....
۵۶	الف) اثبات‌گرایی .....
۵۶	ب) تفسیرگرایی .....
۵۷	ج) انتقادی .....
۵۷	۳-۱. روش‌شناسی: چگونه می‌توان معرفت معتبر و پایا تولید کرد؟ .....
۵۷	الف) اثبات‌گرایی .....
۵۷	ب) تفسیرگرایی .....

.....	ج) انتقادی	۵۸
.....	۴-۱. روش: چگونه می‌توانیم اطلاعات معتبر و پایا جمع‌آوری کنیم؟	۵۸
.....	الف) اثبات‌گرایی	۵۸
.....	ب) تفسیرگرایی	۵۹
.....	ج) انتقادی	۵۹
.....	۲. معرفی پارادایم‌های غالب	۵۹
.....	۱-۲ اثبات‌گرایی	۵۹
.....	۲-۲. تفسیرگرایی	۶۵
.....	۳-۲. انتقادی	۷۲
.....	۳. تعریف عناصر پارادایمی	۷۷
.....	۱-۳. ماهیت واقعیت	۷۷
.....	۱-۱-۳. اثبات‌گرایی	۷۷
.....	۲-۱-۳. تفسیری	۷۸
.....	۳-۱-۳. انتقادی	۸۰
.....	۲-۳. ماهیت انسان	۸۴
.....	۱-۲-۳. اثبات‌گرایی	۸۴
.....	۲-۲-۳. تفسیری	۸۷
.....	۳-۲-۳. انتقادی	۸۹
.....	۳-۳. ماهیت علم و هدف تحقیقات علمی	۹۱
.....	۱-۳-۳. اثبات‌گرایی	۹۱
.....	۲-۳-۳. تفسیری	۹۵
.....	۳-۳-۳. انتقادی	۱۰۱
.....	۴-۳. تبیین واقعیت	۱۰۵
.....	۱-۴-۳. اثباتی	۱۰۶
.....	۲-۴-۳. تفسیری	۱۰۹
.....	۳-۴-۳. انتقادی	۱۱۲
.....	۵-۳. جایگاه ارزش در علم	۱۱۴
.....	۱-۵-۳. اثباتی	۱۱۵
.....	۲-۵-۳. تفسیری	۱۱۶
.....	۳-۵-۳. انتقادی	۱۱۷
.....	○ خلاصه	۱۲۰
.....	○ پرسش‌های فصل	۱۲۲
.....	<b>فصل سوم: رویکردهای تحقیق</b>	۱۲۳
.....	مقدمه	۱۲۳
.....	۱. پارادایم‌ها و رویکردهای تحقیق	۱۲۴
.....	۲. رویکرد کمی تحقیق	۱۲۹
.....	۱-۲. رویکرد کمی تحقیق و برخی محدودیت‌ها	۱۳۸

۱۴۶	۳. رویکرد کیفی تحقیق .....
۱۵۰	۱-۳. مبانی روش شناختی رویکرد کیفی .....
۱۵۱	۲-۳. ملاک‌های عمومی روش‌شناسی کیفی .....
۱۵۶	۳-۳. پایه‌های نظری روش‌شناسی کیفی .....
۱۵۸	الف) پدیدارشناسی .....
۱۶۲	ب) کنش متقابل نمادی .....
۱۶۶	ج) تفهّم .....
۱۶۷	د) هرمنوتیک .....
۱۶۸	ه) طبیعت‌گرایی .....
۱۶۹	۴-۳. ویژگی‌های رویکرد کیفی تحقیق .....
۱۶۹	الف) اصالت دیدگاه مورد مطالعه .....
۱۷۱	ب) توصیف .....
۱۷۲	ج) زمینه‌گرایی (متن‌گرایی یا مضمون‌گرایی) .....
۱۷۳	د) فرایند .....
۱۷۴	ه) انعطاف‌پذیری .....
۱۷۷	و) نظریه .....
۱۷۸	۵-۳. اصول محوری روش‌شناسی کیفی .....
۱۷۹	الف) آزادی .....
۱۷۹	ب) تحقیق به عنوان نوعی ارتباط .....
۱۷۹	ج) فرایندی بودن تحقیق .....
۱۷۹	د) انعکاس‌پذیری موضوع و تحلیل .....
۱۸۰	ه) توضیح .....
۱۸۰	و) انعطاف‌پذیری .....
۱۸۰	۶-۳. بنیان‌های تحقیقاتی روش‌شناسی کیفی .....
۱۸۲	۷-۳. اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی .....
۱۸۹	۸-۳. فرایند طراحی یک تحقیق کیفی .....
۱۹۵	۹-۳. ساختار کلی تحقیق کیفی .....
۲۰۰	۱۰-۳. ارزیابی تحقیق کیفی .....
۲۱۰	۱۱-۳. محدودیت‌های رویکرد کیفی تحقیق .....
۲۱۸	○ خلاصه .....
۲۲۰	○ پرسش‌های فصل .....
۲۲۱	<b>فصل چهارم: مقایسه رویکردها و معرفی رویکرد ترکیبی تحقیق</b> .....
۲۲۱	مقدمه .....
۲۲۲	۱. ارزیابی رویکردهای کمی و کیفی تحقیق .....
۲۳۶	۲. تمایزهای مبانی رویکردهای کمی و کیفی تحقیق .....
۲۳۶	۱-۲. رابطه میان محقق و مورد مطالعه .....
۲۴۰	۲-۲. رابطه میان حقیقت و ارزش .....

۲۴۲	..... ۳-۲. رابطه میان نظریه و تحقیق
۲۴۳	..... ۴-۲. هدف تحقیق
۲۴۵	..... ۵-۲. استراتژی تحقیق
۲۴۶	..... ۶-۲. یافته‌های تحقیق
۲۴۷	..... ۷-۲. تصور واقعیت اجتماعی
۲۴۹	..... ۸-۲. تمایزهای معرفت‌شناختی و روش‌شناختی
۲۵۴	..... ۳. ترکیب رویکردهای تحقیق کمی و کیفی (روش ترکیبی یا چندروشی تحقیق)
۲۵۷	..... ۱-۳. روندهای روش‌های ترکیبی
۲۵۷	..... الف) روندهای تریبی
۲۵۷	..... ب) روندهای همزمانی
۲۵۸	..... ج) روندهای تبدیلی
۲۶۱	..... ۲-۳. تاریخچه روش‌های ترکیبی
۲۶۴	..... ۳-۳. مبانی منطقی روش‌های ترکیبی تحقیق
۲۷۱	..... ۴-۳. راهبردهای روش‌های ترکیبی تحقیق
۲۷۴	..... الف) استراتژی تبیین متوالی
۲۷۵	..... ب) استراتژی اکتشافی متوالی
۲۷۶	..... ج) استراتژی تبدیلی متوالی
۲۷۷	..... د) استراتژی زاویه‌بندی همزمان
۲۷۸	..... ه) استراتژی لانه‌ای (تعبیه‌ای) همزمان
۲۸۰	..... و) استراتژی تبدیلی همزمان
۲۸۳	..... ○ خلاصه
۲۸۴	..... ○ پرسش‌های فصل
۲۸۵	..... فصل پنجم: روش‌شناسی علم و فلسفه اسلامی
۲۸۵	..... مقدمه
۲۸۶	..... ۱. فلسفه و نظام‌های تولید معرفت
۲۸۸	..... ۲. مبانی فلسفی علم در پارادایم‌های غربی
۲۹۱	..... ۳. تضاد اسلام و غرب در مبانی بنیادی
۲۹۴	..... ۴. چالش فلسفه اسلامی و روش‌شناسی علمی
۳۰۰	..... ۵. مسیری به سوی آینده
۳۰۵	..... نتیجه‌گیری
۳۰۸	..... ○ خلاصه
۳۰۸	..... ○ پرسش‌های فصل
۳۰۹	..... منابع و مآخذ
۳۲۵	..... نمایه‌ها
۳۲۵	..... نمایه اعلام
۳۲۷	..... نمایه موضوعات



## پیشگفتار

اکنون که با عنایات خداوند متعال، چاپ دوم کتاب مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه انجام یافته است<sup>۱</sup> و با توجه به عنایت همکاران و استادان محترم و گرانقدر در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قرار بر این شد تا کتاب یادشده به صورتی تدوین گردد که مطابق اسلوب‌های درسی دانشگاهی باشد. از این‌رو، با توجه به حجم زیاد مطالب، بخش اول آن، با عنوان «فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی» عرضه می‌شود. در اینجا لازم است به چند نکته اشاره شود: اول، چنان که در مقدمه کتاب مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی اشاره شده است، این کتاب حاصل تحقیقات گسترده‌ای از سال‌های متمادی تدریس نگارنده در حوزه روش‌های تحقیق کمی و کیفی و پارادایم‌های علم است که در مقاطع مختلف تحصیلی از کارشناسی تا دکترا، انجام گرفته است. توجه به مفاهیمی که استادان اینجانب، آقایان دکتر آقاجانیان، پروفیسور ان دانیل،<sup>۲</sup> پروفیسور لویجوی،<sup>۳</sup> پروفیسور هامفری<sup>۴</sup> و پروفیسور کسلر<sup>۵</sup> در رابطه با توجه و تمرکز بر منطق تحقیق و نیز درخواست بسیاری از دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی، مبنی بر مکتوب نمودن مباحث ارائه‌شده در رابطه با منطق تحقیق، باعث انگیزه‌ای جدی برای چاپ کتاب شد. تلاش‌های استاد ارجمند، دکتر سیدحمیدرضا حسنی، مدیر محترم گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز راهنمایی و کمک استاد گرانقدر آقای دکتر محمد

---

۱. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

2. Ann Daniel

3. Lovijouy

4. Humphery

5. Kesller

خیر، استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز، در داوری و نظارت بر محتوای کتاب، همچنان مزید امتنان است. نکته بعد اینکه، در مدتی که از چاپ اول کتاب گذشت، استادان و دانشجویانی، با نگارنده تماس می‌گرفتند یا مکاتبه می‌کردند و مفاهیم کتاب را بدیع و در عین حال نیاز روز حوزه علوم انسانی در کشور تلقی می‌کردند. این مسئله، از دو جهت برای آنان حائز اهمیت بود؛ نخست آنکه، در این کتاب، مبانی منطقی، فلسفی و پارادایمی خاص رویکردهای مختلف تحقیق، معرفی شده است و دوم آسیب‌شناسی‌هایی است که بر روش‌شناسی علمی در علوم انسانی در کشور انجام یافته و در فصل نخست کتاب ارائه شده است. با توجه به اینکه کتاب اول، دارای یک سلسله نقایص و ایرایشی بود؛ بازبینی همه مطالب و ویراستاری علمی آن را آقای احمد کلاته ساداتی، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی که از نزدیک با مفاهیم ارائه شده در کتاب آشنا بود بر عهده گرفت. لازم می‌دانم در اینجا از حوصله و تلاش ایشان در این جهت، سپاسگزاری کنم. علاوه بر این، ضروری دیده شد تا در چاپ جدید، فصلی با عنوان «روش‌شناسی علم و فلسفه اسلامی» (فصل پنجم) که به‌طور مشترک با آقای احمد کلاته ساداتی نوشته شده به کتاب اضافه شود. از همه کسانی که در چاپ کتاب، نگارنده را یاری دادند، از جمله پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تشکر می‌کنم و از جامعه علمی کشور استدعا دارم که نگارنده را از راهنمایی، نقد و نظریات خود، بهره‌مند سازند.

دکتر محمدتقی ایمان

استاد دانشگاه شیراز

## مقدمه

تحقیق، مجموعه فعالیت‌هایی است، برای جواب به سؤالاتی که در ذهن انسان به وجود می‌آید و از این نظر ضرورتی برای زندگی اجتماعی انسان است. تحقیق به معنای عام، مؤید جستجوی انسان‌ها برای جواب به سؤال و رفع محدودیت‌ها و مشکلاتی است که ضرورتاً با آنها مواجه می‌شوند. انسان‌ها، با تکیه بر دانش عامه خود که محصول جهان‌بینی، تجربیات، تعصبات و پیشداوری‌هاست و با استفاده از عقلانیت و خلاقیت، در مقابل مشکلات، مسائل، رویدادها و پدیده‌های مختلفی که با آن مواجه می‌شوند، موضع‌گیری می‌کنند. این موضع‌گیری می‌تواند ذهنی باشد، یا حتی به کنش و یا رفتار در مقابل آن منجر گردد. به هر صورت، فرایند این موضع‌گیری، می‌تواند به عنوان یک فرایند پژوهشی عام، مورد توجه واقع شود.

دغدغه و نگرانی اندیشمندان، روشنفکران، کارشناسان و حتی حاکمان این بوده است که موضع‌گیری انسان‌ها در مقابل رویدادها چگونه انجام می‌شود، تا چه حد این موضع‌گیری درست و معتبر است و چگونه می‌توان آن را اصلاح نمود. این نگرانی‌ها باعث شد که اندیشمندان به طرح مباحث متعددی پیرامون مجموعه فعالیت‌های سازمان‌یافته، منطقی، قابل دفاع و قابل ارزیابی که بتوانند به واقعیت و دنیای اجتماعی وارد شوند، بپردازند. البته لازم بود این مباحث از یک سو با مباحث نظری و صرفاً ذهنی که در حیطه فلسفه و جهان‌بینی قابل دریافت بود، سازگاری داشته باشند و از سوی دیگر، به واقعیت تجربی نیز وارد شوند. اگرچه مباحث صرفاً نظری و ذهنی برای توضیح واقعیت وجود داشت، ولی ناتوانی ورود مستقیم آنها به واقعیت تجربی، باعث می‌شد که مردم در تصمیم‌سازی تجربی و عملیاتی خود دچار ابهام و سرگردانی شوند و از سویی اعمال انسانی بدون توجیه نظری و توأم با خطای زیاد انجام گیرد.

ضرورت طراحی مدل منطقی، برای تسهیل ورود مباحث فلسفی و ایدئولوژیکی به دنیای اجتماعی، به بحث پیرامون هویت نظری و علمی پارادایم‌ها یا انگاره‌های علمی کشیده شد. اینکه هر فعالیت علمی نیازمند راهبری نظری است و اینکه راهبری نظری دانش عامه، تا چه حد معتبر است و این دانش تا چه حد می‌تواند به ساختاربندهی زندگی اجتماعی منجر شود و اینکه بنیان‌های فلسفی و ایدئولوژیکی، تا چه پایه به تأیید دانش عامه می‌پردازند، باعث شکل‌گیری پارادایم‌های مختلف فکری در حوزه علم شد. البته، به غیر از بحث نظری ورود به واقعیت، اینکه ماهیت واقعیت و ماهیت انسان چیست، اهداف علم کدام است، ماهیت تبیین چیست، جایگاه ارزشی در تبیین کجاست و... سؤالاتی بود که در طراحی مجموعه فعالیت‌ها برای ورود به واقعیت یا همان روش‌شناسی ورود به واقعیت یا دنیای اجتماعی، حائز اهمیت بود. همه این سؤالات و نیز سؤال درباره هویت راهبرد نظری ورود به واقعیت، در مدل منطقی هر شاخه‌ای از علم، تحت عنوان پارادایم علم پاسخ داده می‌شد. بنابراین، علم به عنوان فرایند معتبر شناخت دقیق از واقعیت دنیای اجتماعی، متکی بر مدل منطقی خود (پارادایم علم) هویت‌یابی می‌گردید.

پارادایم‌های غالب در علم — که در این کتاب، تمرکز بر علوم انسانی اثباتی، تفسیری و انتقادی است — هر کدام از چشم‌اندازی متفاوت، به هویت‌یابی علم و مسیر علم (روش‌شناسی علمی) پرداخته‌اند. بنابراین، در حوزه علوم انسانی، ما صرفاً با یک پارادایم علمی مواجه نیستیم؛ بلکه علومی چون اثباتی، تفسیری و انتقادی فعال هستند، که هر کدام از زاویه روش‌شناسی‌های خاصی، به تحلیل نظری دنیای اجتماعی و چگونگی ورود به آن، جهت ایجاد تغییر براساس مبانی نظری خود می‌پردازند. اگرچه جامعه علمی ایران، به دلایل مختلفی که جای بحث آن نیست؛ بیشتر با یک نوع علم و آن هم عمدتاً علم اثباتی ارتباط داشته و دارد؛ ولی این ارتباط تک‌بعدی، دلیلی بر نفی یا نبودن علم تفسیری و انتقادی نیست. هر کدام از این فرایندهای علمی، براساس دیدگاه‌های فلسفی و پارادایمی خود، ادعای شناخت دقیق و معتبر از واقعیت دارند. دو عنصر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی حاکم بر این دیدگاه‌ها، تعیین‌کننده هویت و راهگشای ورود علم به واقعیت و دنیای اجتماعی است. بنابراین، تمایز میان علوم اثباتی، تفسیری و انتقادی، به تفاوت در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی حاکم بر آنها مربوط می‌شود؛ که هدف این کتاب، معرفی پارادایم‌های علم و شفاف‌سازی عناصر آنها، براساس سؤالات پارادایمی این علوم است.

اگرچه دستاوردهای علمی، از طریق آموزش کسب می‌شوند؛ ولی تولید و عرضه آنها، از طریق پژوهش ممکن می‌شود. از این رو انتظار آن است که یک اندیشمند و متخصص، قابلیت و شایستگی دریافت علم (کسب آموزش) و تولید علم (انجام پژوهش علمی) را داشته باشد. البته، مسئولیت سازمان‌ها و مراکز علمی این است که چنین اندیشمندان و متخصصانی تربیت کنند، تا در خدمت توسعه نظام اجتماعی قرار گیرند. جوامعی که این دو شایستگی (آموزشی و پژوهشی)، به صورت هماهنگ در اندیشمندان، متخصصان و کارشناسان آنها نهادینه شده باشد؛ در مسیر توسعه، رونق و تعالی اجتماعی قرار می‌گیرند. حذف یک یا هر دو، یا ناهماهنگی میان آنها، باعث می‌شود که کارکرد دانش به نفع توسعه در جامعه نباشد و آن جامعه بیشتر به سمت وارد کردن علم و دانش سوق داده شود. پیامد چنین وضعیتی، می‌تواند توسعه‌نیافتگی، بی‌سازمانی و بحران‌های اجتماعی و نیز تراکم مسئله به جای حل مسئله باشد. از سوی دیگر، در کشور ما که تسلط آموزش بر پژوهش وجود دارد، و هویت پژوهش بسیار مبهم و غیر اثربخش است؛ شاهد طرح مباحث صرفاً نظری هستیم؛ که این مباحث نیز چون از مبانی پارادایمی و نظری روشی برخوردار نیستند، به عدم تعادل و بی‌سازمانی در جامعه منجر شده‌اند. در این کتاب، به نحوی به پیامدهای ناشی از برداشت نادرست و انجام ناصحیح پژوهش علمی با ذکر مواردی در جامعه علمی ما، پرداخته می‌شود.

تقید اعتقادی و نظری به یکی از پارادایم‌های غالب علم، باعث می‌شود که نسبت به مسیر عملیاتی تولید علم یا همان روش‌شناسی علمی نیز، تعهد نظری و عملیاتی ایجاد شود. پارادایم‌های علم، دو مسیر متفاوت و متمایز از یکدیگر را تحت عنوان مسیر کمی و مسیر کیفی تولیدات علم، پیشنهاد کرده‌اند. این دو مسیر، تحت عنوان دو رویکرد تحقیقاتی در منابع و مراجع آموزشی روش‌شناسی یا روش تحقیق، معرفی شده‌اند؛ رویکردهایی که به اهداف کاملاً متفاوتی خواهند رسید. برای مثال، در رویکرد کمی به تبیین و پیش‌بینی می‌رسیم؛ در حالی که در رویکرد کیفی، به اکتشاف تفسیری یا ایجاد تحول انتقادی خواهیم رسید. دلیل رسیدن به اهداف متفاوت، ناشی از تفاوت روش‌شناسی حاکم بر این رویکردهاست. روش‌شناسی‌های کمی و کیفی، به ترسیم فرایندهایی مجزا در تحقیقات علوم انسانی می‌پردازند. روش‌شناسی کیفی، به صورت اساسی به راهنمایی محقق برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، در راستای کشف معنا و فهم تجربه می‌پردازد. در مقابل، روش‌شناسی کمی، پیشنهاد جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های کمی یا حقایق اجتماعی را به محققان دارد. برای انجام فعالیت‌های تحقیق، با تکیه

بر هر کدام از این روش‌شناسی‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های خاصی به محققان معرفی شده است. برای مثال، استراتژی‌های تحقیق کیفی، شامل قوم‌نگاری‌ها، تحقیق میدانی، مشاهده مشارکتی، تحلیل محتوا، مصاحبه‌ها و تاریخ‌های شفاهی است (برگ،<sup>۱</sup> ۱۹۹۵، ص ۳). در حالی که روش‌های کمی، به صورت مرسوم شامل پرسشنامه، پیمایش، مقیاس، متغیر، آزمایش و روابط میان عوامل اجتماعی است. اساساً، هویت این روش‌ها در قسمت روش‌شناسی‌های کمی و کیفی تعیین می‌شود. در مجموع، شاخص اساسی تفکیک در انتخاب روش، به این موضوع برمی‌گردد که آیا محقق به دنبال دستیابی به اطلاعات در قالب اعداد یا معانی است. اطلاعات عددی، کمی و قابل شمارش، مؤید تحقیق کمی است؛ در حالی که اطلاعات بامعنا، ذهنی و تفهیمی، بیانگر تحقیق کیفی است. روش‌شناسی تحقیق، تعیین‌کننده چگونگی دستیابی به اطلاعات و ترسیم فرایندی است که از اطلاعات حاصل می‌شود. در همین راستا، چگونگی ارزیابی اطلاعات کمی و کیفی نیز، در روش‌شناسی‌های کمی و کیفی ارائه می‌شود. برای مثال، در ارزیابی اطلاعات کمی، اصالت با قابل شمارش بودن اطلاعات است؛ در حالی که در تحقیق کیفی، صرفاً بر تجربی بودن اطلاعات تمرکز می‌شود (جی‌آراتن،<sup>۲</sup> ۱۹۸۳، ص ۱۴۴). البته، این تمایزها به نحوی تداعی‌کننده تفاوت در معرفت‌شناسی حاکم بر تحقیقات کمی و کیفی نیز هستند. در این راستا، تحقیق کیفی به سمت ارزش‌گذاری بر اصالت ذهنیت، معنای شخصی، تعریف شخصی، اصالت توده مردم و توانمندسازی افراد تحت ستم فعال است. در حالی که، تحقیق کمی در جهت اصالت عینیت، آزمون نظریه‌ها، پیش‌بینی و فارغ از ارزش بودن متمایل است. مقایسه منطقی روش‌شناسی‌ها یا رویکردهای کمی و کیفی، از دیگر اهداف این کتاب است که در فصل چهارم به آن پرداخته شده است. در فصل پنجم، تلاش می‌شود با نگاهی به مبانی تولید و توسعه معرفت علمی، مبانی فکری تفکر غرب با جهان اسلام بررسی و در نهایت به ارائه مسیر روش‌شناختی از تولید معرفت در اسلام پرداخته شود.

---

1. Berg

2. Jayaratne

## فصل اول

### چیستی تحقیق و معرفت علمی

#### اهداف آموزشی

شناخت ماهیت و عناصر تحقیق و معرفت علمی و آسیب‌شناسی تحقیقات در حوزه علوم انسانی ایران تلاش می‌شود تا براساس هدف کلی یادشده، فراگیر بتواند در این فصل به اهداف آموزشی ذیل دست یابد:

۱. آشنایی با ماهیت تحقیق و معرفت علمی؛
۲. فهم و شناخت جایگاه عقلانیت و خلاقیت انسان در تحقیق علمی؛
۳. آشنایی با منطق روش‌شناسی و نقش و جایگاه آن در تحقیق علمی؛
۴. تشریح و ترسیم سلسله‌مراتب معرفتی برای ورود به واقعیت؛
۵. شناخت نقش پارادایم، نظریه و روش در معرفت علمی؛
۶. فهم آسیب‌شناسی تحقیقات علوم انسانی در ایران.

#### مقدمه

شناخت ماهیت تحقیق و معرفت علمی، امری ضروری برای حوزه علم و محافل دانشگاهی است. به‌طور کلی، تحقیق به مجموعه فعالیت‌های عقلایی در جهت جواب به سؤالات یا حل مسائلی گفته می‌شود که در ذهن انسان به وجود می‌آید. آنچه که انسان در زندگی اجتماعی خود، به نحوی به علت آن دغدغه خاطر پیدا می‌کند، تحت عنوان مشکل قابل طرح است؛ مشکل عینی و منفی است. طرح سؤال یا سؤالات بر مشکل، به منزله ارتقای مشکل از عینیت به ذهنیت است. با انتزاعی شدن مشکل، انسان دچار مسئله می‌شود که خصیصه مثبت و ذهنی دارد. از طرف دیگر، باید در نظر داشت که عقلانیت و خلاقیت، به عنوان دو توانایی انسان مطرح‌اند که از هر کدام به نحوی در فرایند تحقیق و در رویکردهای مختلف، استفاده می‌شود. در هر معرفت علمی، پیش‌فرض‌های فلسفی و پارادایمی معینی وجود دارد که براساس آن،

شیوه ورود به واقعیت و خروج از آن روشن می‌شود. برای تولید معرفت علمی که از مسیر تحقیقات علمی میسر است، اجزا و عناصر متعددی چون فلسفه، پارادایم علم، نظریه علمی، مدل مفهومی و تجربی و درنهایت واقعیت مورد مطالعه و در یک ارتباط مرتبه‌ای نقش آفرینی می‌کند. هویت هر تحقیق نیز متکی بر بنیان پارادایمی و نظری تحقیق است. یکی از آسیب‌های جدی در تحقیقات علوم اجتماعی در ایران، توجه نکردن به منطق تحقیق علمی است که نتیجه آن نبودن شناخت دقیق و رعایت نشدن سلسله‌مراتب معرفتی و حدود و ثغور پارادایمی در تحقیقات است. در این فصل تلاش می‌شود تا مباحث یادشده به تفصیل بررسی شود.

### ۱. تعریف تحقیق علمی

تحقیق، به معنای جستجو و بررسی کردن است. سؤال این است که انسان در چه مواقعی اقدام به تحقیق می‌کند و در مسیر تحقیق، چه مسائلی مطرح می‌گردد؟ جستجو و بررسی زمانی انجام می‌شود که انسان در مقابل یک ابهام، نگرانی، ناراحتی، سختی و... قرار دارد و برای فهم و درنهایت یافتن راهی برای خلاصی یا تخفیف آن، اقدام به بررسی یا جستجو می‌کند. هدف جستجو آن است تا دریابد ماهیت این مسائل چیست، چرا به وجود آمده است و چگونه می‌توان آن را رفع کرد. بنابراین، انسان مواردی را مشاهده، تجربه یا به نحوی با مواردی به صورت ملموس و محسوس درگیر می‌شود که برای درک آن، به ناچار اقدام به بررسی یا جستجو می‌کند. در این جستجو و بررسی، محور هر تحقیق و عناصر نقش آفرین اساسی جهت شکل‌گیری درک و فهم انسان از پدیده‌ها، پرسش یا پرسش‌هایی است که انسان درباره مسائل و پدیده‌ها از خود می‌پرسد. سؤالاتی درباره چیستی و چرایی مسائل و چگونگی تبیین و حل آن، که همگی در خدمت درک و فهم انسان قرار می‌گیرند. تحقیق، مجموعه فعالیت‌هایی است که انسان در جهت پاسخ به این پرسش‌های اساسی انجام می‌دهد.

تحقیق، با محوریت پرسش شکل می‌گیرد. به همین لحاظ، تحقیق را فعالیت سؤال‌محور یا مسئله‌محور می‌نامند. انسان در طول حیات خود و در مواجهه با دیگران و طبیعت، دائماً در معرض ابهامات، ناراحتی‌ها، سختی‌ها و دشواری‌هایی قرار می‌گیرد که برای شناسایی و فائق آمدن بر آنها، به طرح سؤالاتی پیرامون این مسائل اقدام می‌کند. در این راستا سؤالات می‌توانند متفاوت و متنوع باشند و از راه‌های مختلف به جواب برسند. همه فعالیت‌ها یا مراحل که انسان دنبال می‌کند تا طرح سؤال کند و پاسخ‌ها را دریابد، فرایند تحقیق نامیده می‌شود.



بنابراین، تحقیق، ضرورت زندگی اجتماعی انسان‌هاست و هر انسانی به نحوی درگیر این فرایند است. هدف دانشمندان از مطرح کردن مباحث پیرامون تحقیقات علمی، طرح فرایندها یا مجموعه فعالیت‌هایی است که از خصیصه علمی برخوردار باشد. باید در نظر داشت که عامه مردم نیز ناگزیر از تحقیق هستند؛ اما تحقیق آنها علمی تلقی نمی‌گردد، بلکه مبتنی بر دانش عامه است. تحقیق مورد نظر دانشمندان، تحقیقی است که بنیادهای منطقی علمی دارد و این خصیصه مسئولیت‌هایی را بر عهده آنان گذاشته است. اول آنکه هر نوع تحقیق علمی یا جواب به سؤالات، باید از اعتبار و پایایی لازم برخوردار باشد. دوم آنکه شناسایی ابهامات، نگرانی‌ها و مشکلات، به صورت شفاف، صحیح، خارج از تعصب و پیشداوری و توهّمات انجام شود. مسئولیت دیگر این است که سؤال یا مجموعه سؤالاتی که درباره این ابهامات، نگرانی‌ها و مشکلات مطرح می‌شود، باید هدفمند، منطقی، سازمان‌یافته و به دور از تعصبات و پیشداوری‌ها باشد. درنهایت اینکه فرایند جواب به سؤالات نیز از صحت و اعتبار لازم برخوردار باشد.

## ۲. مشکل، مسئله و تحقیق علمی

آنچه انسان در زندگی اجتماعی خود تجربه و مشاهده می‌کند، یا به نحوی ملموس و محسوس با آن درگیر یا از آن متأثر می‌شود، تحت عنوان مشکل قابل طرح است. مشکل، هر چیز سخت‌شده و ناراحت‌کننده است که انسان را به لحاظ فکری، روحی و جسمی درگیر می‌کند. باید در نظر داشت که فقط با مشاهده، تجربه یا احساس مشکل، نمی‌توان آن را شفاف یا برطرف کرد. به طور کلی، مشکل، عینی و منفی است که برای درک روشن و شفاف و برطرف کردن آن، نیازمند طرح سؤال یا سؤالاتی در مورد آن هستیم. طرح سؤال یا سؤالات، به معنای ارتقای مشکل از عینیت به ذهنیت است. با انتزاعی شدن مشکل، انسان، با مسئله مواجه می‌شود. مسئله، برخلاف مشکل، ذهنی و مثبت است. مثبت، بدین معنا که مشکل از طریق طرح مسئله در مسیر حل شدن قرار می‌گیرد و با طرح مسئله، محوریت تحقیق شکل می‌گیرد. از این جهت است که چنان که پیش‌تر مطرح شد؛ تحقیق را سؤال‌محور یا مسئله‌محور می‌نامند. انسان، با طرح سؤال یا مسئله، درصدد ارتقای فهم و درک، یا به عبارتی دانایی خود، در ارتباط با ابهامات پیش رو است؛ که این امر در فرایند تحقیق قابل دسترسی است. بنابراین، تحقیق در خدمت دانایی و آگاهی انسان است.

محققان و اندیشمندان با طرح تحقیقات علمی درصدد ارتقای آگاهی و دانایی انسان از موارد مبهم از طبیعت و زندگی اجتماعی هستند. اگرچه همه انسان‌ها ضرورتاً با ابهامات مواجه می‌شوند و تلاش می‌کنند تا با طرح سؤالات، به پاسخ برسند و براساس پاسخ‌ها اقدام به توجیه، تفسیر یا تبیین مسائل کنند و درنهایت چگونگی انطباق و یا دخالت جهت تغییر را عملیاتی نمایند؛ ولی اندیشمندان درصدد سازمان‌دهی و منطقی نمودن این فرایندها هستند. بنابراین، اگرچه همه انسان‌ها به صورت عام به تحقیق می‌پردازند، ولی اندیشمندان علاقه‌مندند تا با تحقیق علمی، مسائل را حل کنند. انجام تحقیقات علمی، اساساً متکی بر ضرورت تحقیق در زندگی انسان‌هاست. از نظر اخلاقی، مسئولیت تحقیقات علمی اندیشمندان، از یک طرف باعث ارتقای آگاهی و دانایی انسان‌ها می‌گردد و از طرف دیگر به رفع مشکلات انسان و جامعه انسانی در سطح کلان، کمک می‌کند. از این جهت است که تحقیقات علمی، در قالب تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی به جامعه انسانی عرضه می‌شوند. بنابراین، تحقیقات علمی مستقل از طبیعت یا جامعه انسانی انجام نمی‌شوند؛ بلکه در پاسخ به مسائل انسان و جوامع انسانی ظهور می‌کنند و توسعه می‌یابند.

واقعیات مورد مطالعه و بررسی در تحقیقات علمی، همان مسائلی هستند که انسان‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، با آنها درگیرند. هر گونه فعالیت علمی برای کالبدشکافی معتبر این واقعیات، به منظور ارائه اطلاعات درست به مردم و اصلاح نگرش آنان انجام می‌گیرد. تحقیقات علمی، به علت حضور در فرایند اصلاح و بازسازی نگرش و درک انسان‌ها از خود و محیط اطراف و همچنین روابط میان این عوامل (انسانی و محیطی) با یکدیگر است که در خدمت اعتلای انسان و جوامع انسانی قرار می‌گیرند. از این جهت است که بحث توسعه و پیشرفت علمی، به صورت جدی مطرح می‌شود. هرچند انسان‌ها، صرفاً براساس تجربه‌ها، تصورها و به‌طور کلی دانش عامه خود اقدام به درک پدیده‌ها و رویدادهای طبیعی و انسانی می‌کنند که می‌تواند توأم با خطای زیاد باشد، اما علم و تحقیقات علمی درصدد اصلاح این فرایند، با جایگزین کردن درک معتبر و صحیح است. البته، این بدان معنا نیست که همه انسان‌ها وظیفه دارند محقق علمی شوند، بلکه هدف از این امر، طراحی ساختارهای اجتماعی براساس مبانی علمی و راهبردی تربیت اجتماعی انسان‌ها در آن ساختارهاست؛ تا انسان‌ها به هر طریق ممکن، اقدام به پاسخگویی به سؤالات یا حل مسائل خود نکنند. روش‌هایی که به علت نداشتن راهبرد مشخص علمی، از حل مسائل و نیازهای انسانی عاجز است.

از این دیدگاه، تحقیق، فرایند مسئله‌یابی و حل مسئله است. فرایند مسئله‌یابی و حل مسئله نیز دربرگیرنده فرایند تصمیم‌سازی است. درحقیقت، تحقیق، فرایند مسئله‌یابی و حل مسئله است که یک نظام اجتماعی در سطوح کلان، میانی و خرد با آن مرتبط است. اینکه این تصمیم‌سازی‌ها، تا چه حدی در سطوح مختلف یک نظام اجتماعی، دقیق، معتبر و علمی است، نشان‌دهنده فعال بودن تحقیقات علمی و تصمیم‌سازی علمی در جامعه است. اینکه به صورت مرسوم، مرتباً بحث از تصمیم‌های پژوهش‌محور می‌شود، به علت نقش فعال تحقیقات علمی در طراحی و اجرای نظام اجتماعی در سطوح ساختاری، میانی و خرد است. از این منظر، مردم در زندگی روزمره خود، همواره درگیر فرایندهای تصمیم‌سازی هستند. آنان با سؤالات و مسائلی روبه‌رو می‌شوند و به پاسخ‌هایی نیز می‌رسند. چگونگی شناسایی، تعریف و درنهایت پاسخگویی به این سؤالات یا مسائل، در اعتبار تصمیم‌سازی‌های مردم نقشی مهم و اساسی دارد. از یک‌چنین چشم‌اندازی، رواج و گسترش تحقیقات علمی، به منزله استفاده از تصمیم‌های معتبر در جامعه است. چنان که در یک زندگی اجتماعی، شاهد گسترش و تزاید مشکلات و مسائل باشیم و به جای حل مشکلات، شاهد تراکم آن باشیم، باید فرایند تصمیم‌سازی‌ها و نقش تحقیقات علمی در آن جامعه را زیر سؤال برد. بنابراین، تحقیق علمی، به عنوان فرایندی سؤال‌محور، مسئله‌محور و یا حتی ایده‌محور، به‌طور جدی با فرایند تصمیم‌سازی عجین است.

این امر، به آسیب‌شناسی تحقیقات علمی در یک نظام اجتماعی نیاز دارد که چه علت یا عللی، تحقیقات علمی را با مشکل مواجه می‌کنند، یا چرا این‌گونه تحقیقات در فرایند تصمیم‌سازی جامعه، نقش‌آفرینی فعال با رویه علمی ندارند. به هر صورت، بحث این است که هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از تصمیم‌سازی و تحقیق نیست و همچنین هر فعالیتی که در جهت تصمیم‌سازی و در راستای مسئله‌یابی و حل مسئله صورت می‌پذیرد، فعالیتی علمی نیست. اینکه چه فعالیتی علمی است، در جای خود بحث خواهد شد.

### ۳. تحقیق علمی یا حل عقلایی مسئله

بحث پیرامون تحقیق، با ماهیت انسان مرتبط است. انسان، توانایی انجام تحقیق دارد و برای رفع ابهامات، کاهش مشکلات و جواب به سؤالاتی که در ذهن او به وجود می‌آیند، اقدام به فعالیت‌هایی قابل تشخیص، قابل تعریف و حتی قابل پیش‌بینی می‌کند. انجام این عمل، متکی

بر توانایی ذاتی انسان است. اگرچه در مباحث روان‌شناسی به استعداد و توانایی‌های متعدد انسان متأثر از خصیصه‌های فردی و گروهی او پرداخته می‌شود؛ اما به‌طور کلی می‌توان انسان را با دو توانایی و استعداد در رابطه با فرایند تحقیق یا پژوهش معرفی کرد:

۱. استعداد و توانایی حل عقلایی مسئله؛

۲. توانایی و استعداد حل خلاقانه مسئله.

این دو توانایی، از عقلانیت و خلاقیت انسان نشأت می‌گیرد. انسان، براساس قدرت عقلانیت خود، به تشخیص و تمایز می‌رسد. عقلانیت در انسان، همان قدرت تمایزگذاری، تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌ها و تشخیص مرزها و محدودیت‌هاست که دوام، پایداری، ثبات و ماندگاری فعالیت‌های انسانی، در گرو همین عقلانیت است. این در حالی است که انسان براساس قدرت خلاقیت، اقدام به نوآوری، شکوفایی، ساخت و سازهای جدید اجتماعی، خطرپذیری، اختراع، ابداع و... می‌نماید. خلاقیت، انسان را به سمت رهایی، آزادی و تحول‌خواهی هدایت می‌کند؛ در حالی که عقلانیت، او را به ثبات، ماندگاری، دوام و مرزبندی در زندگی ترغیب می‌کند. این دو توانایی انسانی، در هویت‌یابی نظام اجتماعی و چگونگی استمرار آن، نقشی اساسی دارند. هر نظام اجتماعی، در طراحی و تدوین مناسبات اجتماعی، که محور حرکت جامعه را بر عهده دارند، اقدام به فعالیت‌های عقلایی می‌کند؛ در حالی که در طراحی ساخت‌وساز فرهنگی، از پتانسیل خلاقیت اعضای خود بهره می‌گیرد. اگرچه بحث عقلانیت و خلاقیت در نظام‌های اجتماعی، بحث مفصلی است و مکاتب فکری در علوم اجتماعی، با تکیه بر این دو مفهوم، نظریات متعددی را در تحلیل نظام‌های اجتماعی و چگونگی تغییر و تحول آن عرضه داشته‌اند؛ با وجود این باید در نظر داشت که عرصه هر نوع پژوهش و تحقیق علمی، با محوریت عقلانیت انجام می‌شود.

تحقیق علمی، به دنبال توصیف، کشف یا تبیین قواعد و مناسباتی است که براساس آن، رویدادها و پدیده‌های انسانی، قابل تحلیل و ارزیابی باشد. تمرکز بر قواعد و مناسبات و لزوم اتفاق نظر در مورد آن، همراه با برخورداری از اعتبار لازم، متعلق به حوزه عقلانیت است. بنابراین، تحقیق، مجموعه فعالیت‌های عقلایی در جهت جواب به سؤالات یا حل مسائلی است که در ذهن انسان به وجود می‌آیند. البته، ما در تحقیقات علمی با فعالیت‌های سازمان‌یافته و مورد اتفاق نظر اندیشمندان روبه‌رو هستیم و اینکه این تحقیقات تا چه حد عقلایی است، براساس ارزیابی‌های خاص، باید بررسی شود. البته، باید در نظر داشت که

انسان، براساس قدرت خلاقیت خود نیز اقدام به مسئله‌یابی و حل مسئله می‌کند و این امری کاملاً طبیعی و درست است. انسان، علاوه بر حل عقلایی مسئله، به حل خلاقانه آن نیز می‌پردازد که از ملاک‌ها و خصیصه‌های متفاوتی برخوردار است. لازم است اشاره شود که حل خلاقانه مسائل از سوی انسان، موضوع بحث این کتاب نیست.

تحقیق یا حل عقلایی مسئله، یک مفهوم بامعناست. زمانی که با مفهوم یا واژه تحقیق مواجه می‌شویم، یا کسی آن را به ما ابلاغ می‌کند، ذهن ما متوجه انجام فعالیت‌های خاص فکری می‌شود. به سخن دیگر، ویژگی‌های نوعی ساخت‌وساز اجتماعی، به ذهن منتقل می‌شوند. به همین لحاظ، تحقیق یک سازه اجتماعی است و هر سازه اجتماعی به لحاظ چیستی، چرایی و چگونگی ظهور آن، قابل توجه و بررسی است. چیستی هر تحقیقی، حل عقلایی مسئله، چرایی آن به ضرورت زندگی اجتماعی و ارتقای دانایی انسان و درنهایت چگونگی تحقیق که به انجام فعالیت‌های مشخص و آن هم در مراحل معین، اطلاق می‌شود. اکنون که با واژه تحقیق به صورت کلی آشنا شدیم، لازم است با تمرکز بر تحقیق علمی، مختصات یک تحقیق علمی (با تأکید بر تحقیق علمی در حوزه علوم انسانی) بپردازیم.

تحقیق، مجموعه فعالیت‌های سازمان‌یافته برای جواب به سؤالات است که از سوی اندیشمندان و محققان انجام می‌گردد. براساس تحقیقات علمی، به دنبال جواب به سؤالاتی درباره جهان اجتماعی هستیم. این سؤالات، درواقع همان سؤالات تحقیق هستند که باید اولاً شفاف و معتبر طرح گردند و ثانیاً براساس مجموعه اطلاعات معتبر از واقعیت تجربی، قابل پاسخ باشند. با طرح سؤالات در تحقیقات علمی، به دنبال کسب معرفت از واقعیت تجربی به نحوی هستیم که بتوان به آن واقعیت وارد شد و اقدام به تغییر یا دستکاری آن نمود. البته، این تغییر یا دستکاری برای حل مشکل، با کسب اطلاعات و شناخت دقیق انجام می‌شود. قابل ذکر است هر تحقیق علمی که با محوریت سؤال یا مسئله انجام می‌شود، باید با سؤالات پژوهشی همراه باشد، نه سؤالات آموزشی. ویژگی سؤالات آموزشی این است که جواب این سؤالات، پیش‌تر ارائه شده است، ولی ما از آن آگاهی نداریم. اینکه شخصیت چیست، فرهنگ چیست، تعریف نهاد کدام است، فرایند جامعه‌پذیری چگونه انجام می‌شود، و...، همه سؤالات آموزشی هستند. این سؤالات را می‌توان با توجه به منابع علمی موجود، پاسخ داد. این موارد نمی‌توانند به عنوان سؤال یا مسئله پژوهشی، برای جواب در فرایند پژوهش قرار گیرند. برخلاف سؤالات آموزشی، سؤالات پژوهشی متکی بر آگاهی و دانایی هستند. جواب این

سؤالات، روشن و مشخص نیست و به همین دلیل، نیازمند فعالیت‌های تحقیقاتی است. نوع سؤالات پژوهشی در تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی، متفاوت است؛ ولی همه این سؤالات از این خصیصه برخوردارند که محقق، آگاه است که نمی‌تواند صرفاً با رجوع به افراد، یا منابع موجود، پاسخ روشنی برای این سؤالات دریافت کند. سؤالات پژوهشی، مجهولاتی هستند که بر اثر جهل و نادانی محقق ایجاد نشده‌اند. همچنین، محقق، پاسخ یک‌چنین مجهولاتی را با توجه به میزان دانایی موجود خود نمی‌داند و رجوع به افراد و منابع موجود نیز کمکی به وی نمی‌کند. منابع موجود، تنها مسیر فعالیت محقق برای رسیدن به پاسخ را نشان می‌دهند. برای مثال، چنانچه محققی به دنبال یافتن عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در یک ناحیه یا منطقه خاص باشد، لازم است با طی فرایند تحقیق علمی، به این عوامل دست یابد. در این حالت، نه مباحث نظری موجود توان ورود مستقیم به واقعیت تجربی مورد نظر را دارند و نه نتایج تحقیقات دیگران که در زمان یا مکان خاصی انجام شده‌اند، می‌توانند عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی در گروه مورد مطالعه محقق را به صورت دقیق ارائه کنند. در این حالت، محقق با یک مسئله پژوهشی روبه‌رو است که حل مسئله جز از طریق یک پژوهش علمی امکان‌پذیر نیست.

تحقیقات علمی، به عنوان فرایندهای عقلانی جواب به سؤالات یا مسئله پژوهشی، از سوی اندیشمندان، یا محققانی انجام می‌شوند که متکی بر تفکر منطقی و پیروی از قواعد یا هنجارهای علمی مشخص، از مراحل معینی برای ورود به واقعیات تجربی پدیده‌های مورد مطالعه استفاده می‌نمایند. همه عناصر، تکنیک‌ها و ابزارهایی که محقق در فرایند تحقیق استفاده می‌نماید، متکی بر توجیهات منطقی است که با اتفاق نظر اجتماعی از اندیشمندان مواجه شده است. همین امر، تعیین‌کننده علمی بودن تحقیق است و به سخنی دقیق‌تر، اصالت تحقیق علمی را به روش‌شناسی آن مرتبط می‌سازد. در تحقیقات علمی، روش‌شناسی به مجموعه‌ای از عقاید، قوانین، تکنیک‌ها و رویکردهایی اطلاق می‌شود که از سوی جامعه علمی اندیشمندان، به کار برده می‌شود (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۹). زمانی که میان اندیشمندان، بحث از علمی یا غیر علمی بودن علوم اجتماعی مطرح بود، دفاع اصلی از علوم اجتماعی به علمی بودن روش‌شناسی آن مربوط می‌گردید. علمی بودن روش‌شناسی بدین معنا است که در فرایند

تحقیق علمی علوم اجتماعی، یک ارتباط منظم و سازمان یافته میان سطح نظری (نظریه یا ایده) و حقایق اجتماعی به وجود می‌آید. به سخن دیگر، محقق، یک ترکیب سازمان یافته و هدفمند میان تفکر منطقی و مشاهده تجربی دقیق از پدیده یا رویداد مورد مطالعه خویش ایجاد و ارائه می‌نماید. در این حالت است که حقایق، یا اطلاعات بامعنا، برای تحلیل و تبیین پدیده یا رویداد مورد نظر محقق ایجاد می‌گردند. گفتنی است که در فرایند ترکیب، حساسیت محقق برای رعایت اخلاق علمی و میزان مهارت تحقیقاتی او باید به حدی باشد که واقعیت آن‌گونه که هست منعکس شود و نتایج تحقیق، از اعتبار لازم برای ارائه در مجاری علمی موجود برخوردار باشد.

تحقیقات علمی، از مجموعه مراحل و عناصر سازمان یافته و مورد اتفاق نظر اجماعاتی از اندیشمندان پیروی می‌کند. این عناصر و مراحل مدون، هماهنگ و سازمان یافته، به منزله یک سیستم در خدمت تحقیقات علمی قرار دارد. براساس این سیستم است که معرفت علمی تولید و گسترش می‌یابد. این سیستم که در طول سالیان متمادی به جامعه علمی عرضه شده است، شاهد تغییرات تدریجی و کند بوده است. در این سیستم، شاهد عناصری هستیم که مستقیم یا غیر مستقیم، به نحوی ماهیت جهان و هستی، ماهیت معرفت، روش‌شناسی و روش (مجموعه‌ای از ابزار و تکنیک‌ها) که در خدمت تولید معرفت علمی است، ارائه می‌نماید. بنابراین، هر گونه معادل‌سازی تحقیق علمی و تنزل آن به سطح روش، کاملاً اشتباه است. متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی آموزشی در تدوین روش‌های تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، همین است. مراکز علمی جامعه ما، بدون پرداختن به منطق تحقیق علمی، صرفاً فراگیران را به آموختن تکنیک و ابزارهای تحقیق دعوت می‌کنند. این سطح مهارت، صرفاً برای گردآوری اطلاعاتی استفاده می‌شود که فراگیر نمی‌داند چگونه به این اطلاعات رسیده است، یا نمی‌داند پس از جمع‌آوری اطلاعات باید چه فعالیت تحلیلی و نظری با این اطلاعات انجام دهد. همچنین، فراگیر به لحاظ اصولی نمی‌تواند درک کند که چرا رویکردهای مختلفی در تحقیقات علمی علوم اجتماعی (مانند رویکرد کمی، رویکرد کیفی و رویکرد ترکیبی) وجود دارد؛ چه تفاوتی میان مبانی منطقی این رویکردها وجود دارد؛ و در نهایت اینکه چگونه، در چه حالتی و از کدام رویکرد می‌توان برای پژوهش استفاده نمود.

تحقیق علمی در علوم انسانی، به عنوان فرایند طرح سؤالات پژوهشی و پاسخ به این سؤالات، برای تولید و بازتولید معرفت علمی از رویدادها و پدیده‌های انسانی است. در این

حالت، معرفت علمی به صورتی سازمان یافته و تحت هدایت نظریه علمی تولید و ارائه می‌شود. نظریه علمی، همان تئوری است که در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و علوم سیاسی) وجود دارد. نظریه را می‌توان به عنوان ایده‌ها یا انتزاعیات مرتبط با هم در نظر گرفت که معرفتی سازمان یافته و متراکم را از دنیای اجتماعی عرضه می‌دارند. اندیشمندان و محققان می‌کوشند تا به وسیله تحقیقات علمی که متکی بر تفکر منطقی است، اقدام به مشاهدات دقیق از رفتار، یا فعل و انفعالات پدیده مورد مطالعه نمایند. در این راستا، از تکنیک و ابزارهای تخصصی و حرفه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود. از این اطلاعات، به وسیله تکنیک‌های علمی تحلیلی، برای ساختن نظریه، حمایت یا رد دیگر نظریات، استفاده می‌شود. اطلاعات، درحقیقت مدارک تجربی یا داده‌هایی هستند که محقق، با دقت لازم جمع‌آوری می‌کند. اطلاعات، می‌توانند کمی (عدد) یا کیفی (کلمات، تصاویر و اشیا) باشند. اطلاعات کمی، مربوط به مشاهدات محقق از تجربیات افراد مورد مطالعه خود است که از طریق حواس پنج‌گانه، به دست آمده است. اطلاعات کیفی، اگرچه بر تجربیات تأکید دارند، ولی تجربیات را صبغه معنایی می‌بخشند که در این حالت اطلاعات به دست آمده، با اصالت ذهنیت، به جای عینیت تعریف می‌گردد. البته، مباحث عینیت و ذهنیت که مرتبط با رویکردهای کمی و کیفی در تحقیقات علمی هستند، در فصل‌های بعد معرفی خواهند شد.

تحقیقات علمی، سعی بر کسب اعتبار از مجموعه‌های علمی دارند. این مجموعه‌ها، با طرح هنجارهای علمی و التزام عملی به رعایت آن در تحقیقات، ضمانتی بر علمی بودن تحقیق هستند. هر جامعه علمی، با طرح پیش‌فرض‌ها، ایستارها و تکنیک‌های خاص، کمک جدی به حیات علم می‌نماید (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۷). جامعه علمی، جامعه‌ای کاملاً حرفه‌ای و متشکل از افرادی است که براساس مجموعه‌ای از هنجارها، ایستارها و رفتارها به یکدیگر پیوسته‌اند و ضامن نگهداری اخلاق در تحقیقات علمی هستند. جامعه علمی اندیشمندان، به این دلیل یک جامعه تلقی می‌شود که اعضای آن در یک ارتباط متقابل و منظم با یکدیگر قرار دارند و ضامن تداوم این ارتباط، به اشتراک گذاشتن اصول اخلاقی، عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌هایی هستند که در فرایند تولید و گسترش علم، نقش‌آفرینی دارند. محققان و کارشناسان خارج از جامعه علمی مورد نظر، چنانچه به پیش‌فرض‌ها، عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌های پژوهشی این جامعه اعتقاد و باور داشته باشند، می‌توانند از مسیر و فنون پژوهشی این جامعه استفاده نمایند و یافته‌های



تحقیق خود را در مجاری علمی جامعه علمی منتشر نمایند. آنچه در یک جامعه علمی مهم است، تقید به باورهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی حاکم بر جامعه، از سوی اعضای آن است. اگرچه اصولی مانند اخلاقیات تحقیق، روشمند بودن تحقیق و ارتباط بین‌ذهنی برای ارائه یافته‌های تحقیق، در میان جوامع علمی مشترک‌اند؛ ولی برحسب اینکه جهان‌بینی و پارادایم فکری حاکم بر جامعه علمی — که در فصل‌های بعد به آن پرداخته شده است — چیست، تقیدات خاصی نیز بر جامعه علمی حاکم می‌شود. تقیداتی چون اصالت علت یا دلیل، اصالت ساختار یا کارگزار، اصالت تعمیم یا تعمیق، اصالت فهم یا تبیین، اصالت وحدت یا کثرت و... (فی، ۱۳۸۳<sup>۱</sup>، ص ۱۶).

در علوم انسانی، تحقیقات علمی می‌توانند با اهداف اکتشاف<sup>۲</sup>، توصیف<sup>۳</sup> یا تبیین<sup>۴</sup> سراغ رویدادها یا پدیده‌ها اجتماعی بروند (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۱۸-۲۱). قابل ذکر است که اگر به اهداف تحقیقات علمی برحسب مبانی پارادایمی آن توجه شود؛ می‌توان انتظار توصیف، اکتشاف، تبیین و نهایتاً ایجاد تحول داشت. در فصل دوم، بر طرح مبانی پارادایمی تحقیقات علمی سعی شده است و انواع پارادایم‌های علمی و موضع این پارادایم‌ها در تحقیقات علمی معرفی شده‌اند. برحسب اهداف یادشده، سه پارادایم غالب اثبات‌گرایی<sup>۵</sup>، تفسیری<sup>۶</sup> و انتقادی<sup>۷</sup> در علوم انسانی حاکم‌اند. هر کدام از این پارادایم‌ها، برحسب اصول هستی‌شناختی<sup>۸</sup> معرفت‌شناختی<sup>۹</sup> و روش‌شناختی<sup>۱۰</sup> خاص خود، سعی بر ترسیم هویت تحقیقات علمی خود دارد. این پارادایم‌ها، با ترسیم مسیر تحقیقات علمی و تعیین اهداف، چگونگی حرکت محقق در مسیر تحقیق (روش تحقیق) را معرفی می‌کنند. طرح رویکردهای کمی (اثباتی) و کیفی (تفسیری و انتقادی)، متأثر از موجودیت و تسلط این پارادایم‌ها در نگرش محققان است. در رابطه با اهداف پارادایمی تحقیقات، باید گفت که توصیف پدیده‌ها، متعلق به همه پارادایم‌های فکری است و اکتشاف، اساساً متعلق به پارادایم تفسیری بوده و تبیین، مربوط به پارادایم اثباتی و درنهایت ایجاد تحول، متعلق به پارادایم انتقادی است. تحقیقاتی که با هدف

1. Fay

3. description

5. positivism

7. critical

9. epistemological

2. exploration

4. explanation

6. interpretive

8. ontological

10. methodological

توصیف انجام می‌شوند، به دنبال جواب دادن به سؤال «چه» هستند. در جواب به این سؤال، محقق می‌تواند نیمرخ دقیقی از افراد یا گروه مورد مطالعه ارائه نماید و فرایند، مکانیزم یا رابطه‌ای را توصیف کند، توزیع آماری، خصیصه یا ویژگی‌هایی را بیان نماید (مانند توزیع فراوانی) و اطلاعاتی را برای سطح عمیق‌تر تحلیل (اکتشاف، تبیین و ایجاد تحول) ارائه دهد. محقق، همچنین می‌تواند اطلاعات زمینه‌ای را استخراج کند، دسته‌بندی‌ها یا پاسخ‌های مشخصی را برحسب اطلاعات ارائه نماید و مراحل را شفاف سازد. تحقیقات اکتشافی نیز، به دنبال جواب به سؤال «چه» هستند؛ با این تفاوت که عمیق‌تر از تحقیقات توصیفی عمل می‌کنند. اگر در بعضی موارد، اکتشاف به عنوان مقدمه تحقیقات تبیینی به کار می‌رود، ولی به لحاظ پارادایمی، اکتشاف به دنبال درک معنا است. محقق، با تحقیقات اکتشافی سراغ مواردی می‌رود که از آن اطلاعات چندانی ندارد. محقق، از طریق تحقیقات اکتشافی می‌تواند با حقایق اساسی در زندگی اجتماعی مردم آشنا شود؛ تصویری روشن از فضای فکری و ایده‌هایی که در یک موقعیت قرار گرفته است، ارائه نماید؛ ایده‌هایی را در راستای تئوری‌پردازی توسعه دهد؛ به انجام تحقیقات بعدی یا تکمیلی دامن بزند و سؤالات یا موارد قابل مطالعه را ارائه نماید.

تحقیقات تبیینی، بر سؤال «چرا» متمرکز است. در این‌گونه تحقیقات، محقق به دنبال آن است که علت یا علل یک رویداد یا واقعه را شناسایی کند. تحقیقات تبیینی، چنانچه متکی بر نظریه و از طریق مدل‌سازی تحقیق و رعایت اصولی که روایی داخلی و خارجی را تضمین می‌نماید، انجام شود؛ می‌تواند به کشف روابط علی احتمالی که یکی از اصول پارادایم اثباتی است، دست یابد. در تحقیقات تبیینی، محقق به دنبال آزمون نظریه، از طریق فرضیه‌سازی است. بنابراین، اگرچه در تحقیقات اکتشافی متکی بر پارادایم تفسیری، محقق به دنبال نظریه‌پردازی است؛ ولی در تحقیقات تبیینی می‌توان به آزمون نظریه پرداخت. زمانی که محقق اقدام به تبیین رویدادی می‌نماید، می‌تواند به بیانات عمومی و مشترک با خصیصه روابط علی دست یابد، که این امر، اساس و بنیان پیش‌بینی را شکل می‌دهد. بنابراین، براساس تبیین می‌توان اقدام به پیش‌بینی نمود. در این راستا، استفاده از تکنیک‌های آماری و انجام آزمون مدل تحقیق، برای دستیابی به تبیین و پیش‌بینی ضرورت دارد.

تحقیقات علوم اجتماعی، که با هدف ایجاد تحول انجام می‌گیرد، متعلق به پارادایم انتقادی است. نظریه انتقادی، معتقد به اصالت تحول، به جای اصالت تعادل و ثبات است. محققان انتقادی، به گونه‌ای به دنبال تبیین شرایط و مقتضیات هستند که بتوان آن را به وضع دیگری

تغییر داد (فی، ۱۹۸۷، ص ۲۷). در فرایند تحقیقات انتقادی، سعی بر کسب معرفت از لایه‌های زیرین واقعیت است. سطح ظاهر، اصالت ندارد و محقق باید بتواند با استفاده از رویکردهای کیفی مانند روش‌شناسی‌های قوم‌نگاری انتقادی،<sup>۱</sup> تحقیق اقدامی<sup>۲</sup> و تحقیق مقایسه‌ای - تاریخی<sup>۳</sup> و با تکیه بر نظریه انتقادی، به سطح زیرین واقعیت و در جهت ایجاد تحول هدفمند، وارد شود.

علاوه بر تمایزات موجود در تحقیقات علمی بر مبنای اهداف پارادایمی، با توجه به اهداف علمی و روشی که هر تحقیق علمی دنبال می‌نماید، می‌توان آن را به تحقیقات بنیادی و کاربردی دسته‌بندی نمود. تحقیق بنیادی، با هدف گسترش مرزهای دانش انجام می‌شود. هدف تحقیق بنیادی، کسب دانش و آگاهی جدید، بدون توجه به ارزش آن در ایجاد تغییرات اجتماعی است. در این‌گونه تحقیقات، انگیزه تحقیق بر مبنای کنجکاوی محقق در کشف اصول کلی و قواعد حاکم بر روابط پدیده‌ها شکل می‌گیرد. تحقیقات کاربردی، اساساً با هدف حل مشکلات در جهت تأمین سعادت و رفاه مردم انجام می‌شوند. در این تحقیقات، از روش‌شناسی علمی برای جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تبیین مسائل اجتماعی و در راستای مقابله با آن استفاده می‌شود. تحقیقات کاربردی و بنیادی، در هدف، محتوا و روش، با یکدیگر متفاوت می‌باشند. بیک‌من<sup>۴</sup> (۱۹۸۱) معتقد است تحقیقات بنیادی با هدف ایجاد و بسط دانش فراگیر به پاسخ و پرسش‌های واحد و کشف روابط و اثرات معنی‌دار آماری انجام می‌شود، در حالی که تحقیقات کاربردی، در پی شناخت و بررسی مشکلات، و پاسخ به پرسش‌های متعدد و کشف روابط یا اثرات معنی‌دار کاربردی است.

هدریک و همکاران (۱۳۷۸) در مقایسه میان تحقیقات کاربردی و بنیادی، برحسب تفاوت در روش‌ها معتقدند که تحقیقات کاربردی بر اعتبار بیرونی، تبیین معلول، تجزیه و تحلیل چندسطحی، استفاده از روش‌های متعدد، متکی بر طرح‌های شبه‌تجربی<sup>۵</sup> و مشاهدات غیر مستقیم متمرکز هستند؛ در حالی که تحقیقات بنیادی، به لحاظ روش در پی اعتبار درونی، تبیین علت، تجزیه و تحلیل یک‌سطحی، استفاده از روش واحد، طرح‌های تجربی و مشاهدات مستقیم هستند.

1. critical ethnography

2. action research

3. historical-comparative research

4. Bikman

5. quasi- experimental designs

فری من و روسی<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) نیز در مقایسه تحقیقات بنیادی و کاربردی معتقدند که تحقیقات بنیادی در معرفت نظری مشارکت دارند؛ در حالی که تحقیقات کاربردی براساس نتایج کاربردی این تحقیقات، مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنان، همچنین اشاره به نوع و میزان موفقیت تحقیقات بنیادی و کاربردی دارند. بر این اساس، میزان موفقیت در تحقیقات بنیادی، برحسب ظهور نتایج آن در نشریات علمی و میزان تأثیری است که بر جامعه علمی اندیشمندان دارد. در حالی که در تحقیقات کاربردی، میزان موفقیت به این امر بستگی دارد که نتایج تا چه حد در تصمیم‌سازی‌های حمایت‌کنندگان این تحقیقات دخالت می‌کنند.

اکنون که با مفهوم تحقیق یا پژوهش به صورت عام و علمی، تحت عنوان فرایند حل عقلانی مسئله یا پاسخ به سؤال (سوالات) پژوهشی آشنا شدیم، لازم است برای ورود به فصل دوم، به صورت مقدماتی با اجزای این فرایند آشنا شویم. تحقیقات علمی، اساساً با سطوح نظری و تجربی درگیر هستند. یافته‌های صرفاً نظری را که توان ورود به واقعیت تجربی نداشته باشند یا یافته‌های تجربی را که از پشتوانه منطقی برخوردار نباشند نمی‌توان تحت عنوان «یافته علمی» به حساب آورد. توانمندی علم در ورود به واقعیت تجربی برای انتزاع آن یا انجام اقداماتی در آن، براساس نظریه متکی بر پارادایم علمی خاص انجام می‌شود. علم که مفهومی جدید و اساساً متعلق به عصر روشنگری<sup>۲</sup> است، فرایندی با پشتوانه فلسفی و پارادایمی روشن است که محصول آن معرفت علمی است.

#### ۴. فرایند تحقیق و تولید معرفت علمی

نیومن معتقد است علم یک نهاد اجتماعی و روشی است که به وسیله آن معرفت علمی تولید می‌شود. در این دیدگاه، علم یک سیستم تولید معرفت است (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۷-۹). معرفت علمی، متکی بر مبانی فلسفی و پارادایمی است که درصدد ورود به واقعیت تجربی است. به سخن دیگر، در هر معرفت علمی، پیش‌فرض‌های فلسفی و پارادایمی معینی وجود دارد که براساس آن، شیوه ورود به واقعیت و خروج از آن مشخص شده است (ر.ک: فصل دوم). هر معرفت علمی، براساس این پیش‌فرض‌ها (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی علم)، از روش‌شناسی خاصی برخوردار است. روش‌شناسی در معرفت علمی، مسئولیت‌روایی و پایایی

1. Freeman & Rossi

2. enlightenment

معرفت را بر عهده دارد. در روش‌شناسی تحقیق، اصول کلی، تمرینات، مراحل و قوانینی وجود دارد که معرفت علمی با تکیه بر این عناصر تولید می‌گردد. از نظر اندیشمندان، روش‌شناسی، مدلی است که در آن اصول نظری و چارچوبی که یک تحقیق علمی چگونه باید در یک بستر پارادایمی خاصی انجام شود، ارائه می‌گردد (لاتر،<sup>۱</sup> ۱۹۹۲، ص ۸۷؛ هاردینگ،<sup>۲</sup> ۱۹۸۷، ص ۱؛ کوک و فونو،<sup>۳</sup> ۱۹۹۰، ص ۲). بنابراین، نباید روش‌شناسی را با روشی که صرفاً به تکنیک‌ها و ابزارهای جمع‌آوری مربوط است، معادل گرفت. گفتنی است که این معادل‌گیری و تنزل روش‌شناسی در علوم انسانی به روش و روش‌شناسی در علوم دقیقی چون فیزیک و شیمی، از مشکلات آموزشی درس «روش تحقیق» در مراکز علمی جامعه ما می‌باشد.

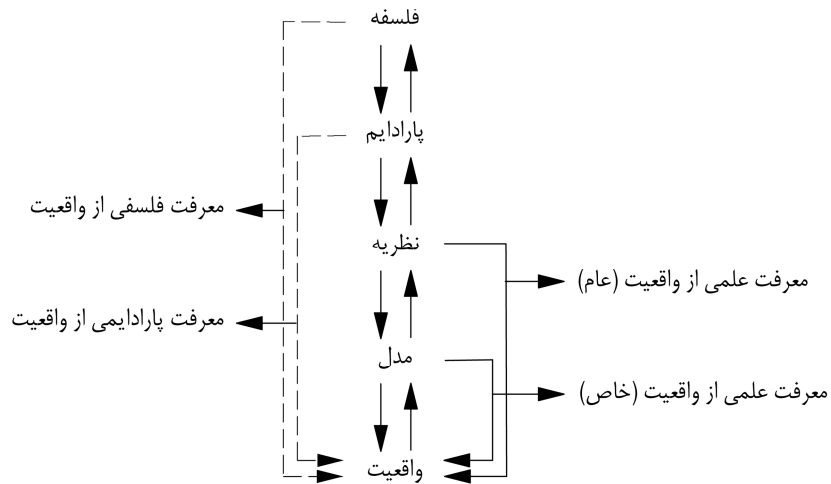
پشتوانه فلسفی و پارادایمی معرفت علمی، ماهیت مسیر و عناصری را که در فرایند تولید معرفت سهیم هستند، مشخص می‌سازد. برای تولید معرفت علمی که از مسیر تحقیقات علمی میسر است، اجزا و عناصر متعددی چون فلسفه، پارادایم علم، نظریه علمی، مدل مفهومی و تجربی و نهایتاً واقعیت مورد مطالعه در یک ارتباط مرتبه‌ای، نقش‌آفرینی می‌نماید. در مباحث روش‌ها و رویکردهای تحقیق، به مباحث فلسفه به صورت محض و انتزاعی پرداخته نمی‌شود. آنچه در برخی مباحث ارائه می‌شود، تا حدودی بحث فلسفه علم و پارادایم علم است که فصل دوم و سوم این کتاب به بحث پیرامون پارادایم‌های علم و رویکردهای کمی و کیفی تحقیق پرداخته شده است.

پس از معرفت فلسفی، یا پارادایمی از واقعیت، به عنصر اساسی دیگری تحت عنوان نظریه علمی می‌رسیم. نظریه یا تئوری، دارای پیش‌فرض‌های فلسفی و پارادایمی معین است که به دنبال انعکاس نظری از واقعیت است. به سخن دیگر، ماهیت واقعیت و چگونگی کسب معرفت از آن در پارادایم علم مشخص شده است و نظریه متأثر و منطبق با پارادایم، درصدد توضیح و تبیین واقعیت به نحوی است که بتوان به لحاظ تجربی به آن واقعیت وارد شد. ورود محقق از نظریه علمی به واقعیت، منشأ شکل‌گیری معرفت علمی از واقعیت است. در حالی که در سطح فلسفه و پارادایم، صرفاً معرفت فلسفی و پارادایمی از واقعیت تعریف شده است که با این معرفت، امکان ورود تجربی به واقعیت برای هر گونه تغییر یا دستکاری عملی وجود ندارد (رجوع شود به شکل شماره ۱).

1. Lather

2. Harding

3. Cook & Fonow



شکل ۱: سلسله مراتب معرفتی در توضیح واقعیت

در سلسله مراتب معرفتی، شاهد خط‌های نقطه‌چین و ممتد از سطوح بالای معرفت، به واقعیت تجربی هستیم. خط‌های نقطه‌چین به معنای این است که اندیشمندان نمی‌توانند مستقیماً وارد واقعیت تجربی شوند. در آن سطح از معرفت، می‌توان از انتزاع واقعیت صحبت کرد. در اینجا صرفاً، مباحث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی قابل بحث است. چنانچه این سطوح بخواهند خود را به سطح واقعیت تجربی برسانند؛ باید به سطح پایین‌تر از خود نازل و از آنجا مجدداً به واقعیت فکر کنند تا ببینند آیا از این سطح قادر ورود به واقعیت هستند یا نه (حضور خط‌های ممتد)، در غیر این صورت باید به سطوح پایین‌تر رجوع کنند. مثلاً معرفت فلسفی، اگرچه به معرفت پارادایمی نازل می‌شود، ولی نمی‌تواند مستقیماً وارد واقعیت شود و باید از سطح پارادایم، به سطح نظریه وارد شود. چنانچه سطح معرفت پارادایمی، به سطح معرفت نظریه نازل شود؛ امکان ورود مستقیم به واقعیت را دارد. بنابراین، اگر فیلسوفی بخواهد از سطح معرفت فلسفی، مستقیماً وارد واقعیت شود؛ به محض رسیدن به سطح نظریه، به جای استفاده از نظریه علمی، از دانش عامه خود که از اعتبار علمی لازم برخوردار نیست، استفاده می‌نماید. در این صورت، تحلیل تجربی واقعیت، مطابق تجربه و تصور فیلسوف است، نه براساس قاعده علمی که قابل دفاع در مجامع علمی باشد. علت این امر، رعایت نشدن سلسله مراتب معرفتی در ورود به واقعیت تجربی است.